

شورای ملروارک ریاست جمهوری محرقانون ششمنزوحیاو لکری

سفری پژوهشی و مستند از ارگ تا شورای ملی
بخش اول (استاد - صباح)

(استاد صباح)

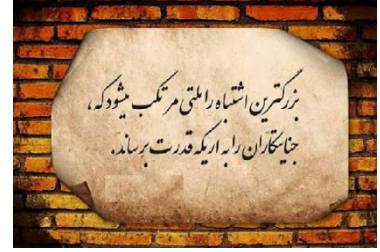
غنی! خوابی یا غفلت و یا ترس و سکوت؟؟؟



اجاقت ای وطندار سرد بینم
دلت پردردورنگت زرد بینم
بدست مشت اوباشان اسیری
همه را قاتل و نا مرد بینم .

سخن گفتن، شعار دادن، محاسبه های دل خوش کننده، گزارشهای مبالغه آمیز، تکیه بر مقامات امروزی دولت، کش دادنهای جنگ، توزیع پول به چهار جاسوس روزگزران، جابجایی اشخاص دوتابعیتی در امور دولتی، بیگانه بودن از درد-رنج و مصیبت مردم، بردن، بستن و کشتن ملت ستم دیده، بمباردمان بی نتیجه، و افسوس خوردن در این باره که چرا اوضاع امنیتی کشور تا این حد بحرانی شده است چیزی جز تکرار مکررات نخواهد بود، زیرا هر کسی که در افغانستان زندگی می کنند این آتش جهنده و شعله های آن را می بیند و با گوشت و پوست خود آن را احساس می کند . دولت با مدیریت ضعیف، و ندانم کاری های توجیه ناپذیر خود، طالبان نزدیک به مرگ را دوباره زنده کرد و جنازه متلاشی شده تروریزم را از تابوت بیرون کشید و جان تازه ای به این کالبد فساد و تباهی دمید.
در شورای ملی نیز مفسدترین، بی بندوبارترین، بی تنصاف ترین و بی جدان ترین انسانها لمیده اند و با بسته های پول بزرگترین خیانت و جنایت را به حق مردم و میهن انجام می دهند.

باغ ما ...



کرکس و کفتار دارد باغ ما
تا بخواهي، مار دارد باغ ما
بلبلان از باغ ما کوچیده اند
جاي بلبل، سار دارد باغ ما
باغ پهلویی، ببین! گل کرده است
گل ندارد، خار دارد باغ ما
بر دلش داغ بهاران مانده است
حسرت دیدار دارد باغ ما
سر درختي هاي ما یخ بسته است
سرنوشتي تار دارد باغ ما
برخلاف آنچه مردم گفته اند
باغبان، بسيار دارد باغ ما
بوي باروت است جاي بوي گل
وحشت و کشتار دارد باغ ما
درمیان دهکده پیچیده است:
دیو آدم خوار دارد باغ ما
باغ، تا باغي شود بار دگر
صد هزاران کار دارد باغ ما
وصف باغ ما، به کیوان رفته است
یک جهان اسرار دارد باغ ما...

چپاول و غارتگری از ارگ ریاست جمهوری تاشورای ملی



فساداداری در کشور از قبیل رشوت، خویش خوری سبوتازبه اوج خویش رسیده است. نظام اداری ما میراث بجا مانده از زمان چور و چپاول کشور وسیله مفتخوران تفنگدار و سنت های واپس گرایی بوده که انحصار، استبداد، نژاد سالاری

وخویشخوری جزو شاخصه های انفکاک ناپذیر آن به شمار می آید. تا این نظام مبتنی برچنین فرهنگ و تعاملات حاکم برجامعه باشد، امید اصلاح آن خوشخیالی بیش نخواهد بود.

وقتی نظام کنونی ما از درون و از تنه پوسیده و از کار افتاده است، اصلاح شاخ و برگهای آن چگونه می تواند امید آفرین باشد؟ تجربه پنج سال گذشته درمبارزه با تروریسم، مواد مخدر و فساد و ارتشا به خوبی و روشنی ادعای فوق را به اثبات می رساند؛ هرپروسه ملی در آغاز با شور و شوق، هیاهو و تبلیغات به راه انداخته می شود؛ اما پس از چندی با بن بست مطلق می رسد که حتی مسئولین آن از انکار و توجیه آن عاجز می مانند.

بنیادگریان و قدرت پرستان ارگ نشین و پارلمان بالا نشین اگر می دانستند! که فرود يك گلوله توپ قلب چند نفر را می درد ؟ اگر می دانستند ! که هر صدای فیراسلحه، فردا به قطره اشکی بدل خواهد شد و این اشک چه جگر هایی را خواهد سوزاند ؟ میدانستند جنگ یعنی سوختن، ویران شدن، آرامش مادری که فرزندش را با لالایی گرمش درآغوش خود خوابانیده، نوری، صدایی، ریزش سقف خانه و سرد شدن تن گرم کودک در قامت خمیده مادرچه تاثیر داشت؟ میدانستند! جنگ یعنی ستم یعنی آتش، یعنی خونین شدن و سرخ شدن جامه ای و سیاه شدن جامه ای دیگر، اما باز هم کشتند و گلوله باران کردند و ویرانه مبدل نمودند. میدانستند! که کدام مادر ضجه می کشد ؟ کدام پیراهن سیاه می شود ؟ کدام خواهر بی برادر می شود ؟ آسمان کدام شهر سرخ می شود ؟ کدام گریبان پاره می شود ؟ کدام کودک در انزوا و خلوت خویش از درد جا نسوزبی پدري اشک میریزد. اما باز هم ادامه دادند و به اسارت کشیدند.

چرا رئیس و وکیلان و لسی جرگه بخاطر تامین عدالت و حاکمیت قانون عاملین اصلی جنایت ذیل را مورد استیضاح و بازپرس قرار نمیدهند ؟: جنایتکاران که در حدود شصت و پنج تاهشتاد هزار انسان بی گناه و بی دفاع را بخاک و خون کشانده و کابل زیبارا به ویرانه و شهر را به شهرارواح تبدیل نمودند.

اعطای رتبه های بزرگ نظامی به اشخاصی که از سواد اولی، از تعلیمات عسکری، از حداقل فهم سیاسی هیچگونه آگاهی ندارند. اعطای القاب ها، نشانها و مدالها به اشخاص که جز خیانت و جنایت در حق مردم و کشور کارنامه دیگری با خود ندارند. تعیین و تقرری افراد بی سواد و کم سواد، قاتل و آدم کش، دزد و قاچاقچی، سلاحدار و جنگ سالار. . . در پست های مهم دولتی.

در حکومت چه گذشت؟؟؟



در جایی که تفنگ و زور و دالر مسلط است و مافیای هیروئین و بنیادگرایی دست باز دارد، صحبت از وجود آزادی و دموکراسی و قانون و عدل مسخره است.

هنگامی آمریکا تصمیم گرفت علیه طالبان وارد جنگ شود به تجهیز و تقویت آنها مبادرت ورزید. تفنگداران جنگ سالار بقانون خویش را در ایجاد انارشیزم و برهم خوردگی وضع اجتماعی دیده، از همین جهت پیوسته در صدد بی ثبات نگهداشتن اوضاع تلاش های مذبوهانه مینماید و سود خویش را فقط و فقط در حنگ و تفنگ می بینند آنها به منظور اغوا و سرکوب مردم، در تمام عرصه ها دست به اقدامات خائنانه و ماجراجویانه میزنند. دولت پروسه بنا م جمع آوری سلاح را روی دست گرفت که میلیون ها دالر را به باد فنا داد، ولی در ظاهر ارقام های ارایه می گردد که امید واری های کاذبی را به مردم نوید میدهد .

اما کشتن ، بستن ، بردن ، اختطاف ، زورگویی ، قاچاق و حشمت ، بربریت ، جنگ های ذات البینی و مردم آزاری با گذشت هر روز وسعت بی سابقه پیدا می نماید . گزارش هایی در دست است که افراد ملبس به یونیفورم پولیس، در اخلال امنیت شهر نقش داشته اند، با اینکه از سوی مقامات دولتی اعلام شده که این افراد از چوکات اداره پولیس خارج بوده اند و

تنها از یونیفورم استفاده کرده اند، اما این موضوع به قوت خود باقیست که با نبود زیر ساخت اقتصادی افزایش بیکاری سبب اخلاص در امنیت اجتماعی می شود. این موضوع سبب پدید آمدن نوعی کانگستریزم شهری گردیده است. بیش از پنج سال است که امریکا و متحدین در افغانستان حضور دارند اما هنوز هیچ نشانی از ثبات و صلح و امنیت در کشور سراغ نداریم، زیرا پس از سقوط طالبان، باید بدون درنگ به جمع آوری اسلحه اقدام میگردید نه تنها اقدامی نشد بلکه دست تفنگداران در نقض حقوق بشر، حقوق زنان، دامن زدن اختلافات قومی و مذهبی، چور و چپاول بازگذاشته شد. حال نه تنها بر مردم ما بلکه بر اکثر مردم دنیا آشکار گشته است که با وصف حضور نیروهای آیساف و ادعاهای بلند بالایی کرزی، هنوز هم افغانستان به عنوان یکی از مراکز فجایع حقوق بشر باقی مانده است:

ادامه خشونت علیه زنان، حوادث بیشمار تجاوز، تهدید و ازدواج اجباری توسط افراد مسلح، افزایش بی سابقه خودکشی و خودسوزی زنان، تهدید فامیلها تا دختران خود را به مکتب نفرستند، سوزاندن مکاتب دخترانه، احساس ناامنی زنان در کار بیرون از خانه، ممنوعیت ظاهر شدن آواز خوانان زن در رادیو و تلویزیون، افزایش زنان و بیوههایی که چاره‌ای جز گدایی و روی آوردن به فحشا ندارند و...

هم اکنون دهها هزار میل سلاح نزد گروپ های مسلح وجود دارد که عامل ناامنی در کل کشور هستند. اگر سلاح جمع آوری شده باشد، پس اینهمه زورگویی، درگیری، قتل و جنایت چگونه اتفاق می افتند. همین حالا تنظیم های حزب گلبدین، جمعیت ربانی، شورای نظار، اتحاد سیاف، وحدت اکبری، وحدت خلیلی، حرکت های اسلامی و... کاملاً مسلح بوده، والیان و قوماندانان امنیه تنظیمی هر یک دهها میل سلاح در اختیار دارند. سرگروپ ها و بعضی از فرماندهان و مسوولان این تنظیم ها در دولت نیز شرکت داشته ولی سلاحوت های خود را حفظ کرده اند.

آیا خارجی ها نمی دانند که در افغانستان چه میگذرد؟؟؟



خارجی های دموکراسی سالار که با توپ و تانک، بم و راکت، اجبر و آدمکش و قوتهای هوای زمینی به کشور ما یورش آوردند و بنام دموکراسی و مردم سالاری چه که نکردند. بیش از پانزده سال است که امریکا و متحدین در افغانستان حضور دارند اما هنوز هیچ نشانی از ثبات و صلح و امنیت در کشور سراغ نداریم، زیرا پس از سقوط طالبان، باید بدون درنگ به جمع آوری اسلحه اقدام میگردید نه تنها اقدامی نشد بلکه دست تفنگداران در نقض حقوق بشر، حقوق زنان، دامن زدن اختلافات قومی و مذهبی، چور و چپاول بازگذاشته شد. آیا خارجی ها این را نمیدانند که تفنگداران بیش از یک و نیم دهه بالای خون ملت به تجارت مشغول بودند؟ مگر داد و معامله های پیدا و پنهان این این تشنگان قدرت؛ مردم رنج کشیده ما را به خاک و خون نکشاند؟ مگر همین ها نبودند که در بدل ویرانه ساختن کشور؛ قصر های مجلل در داخل و خارج برای خود و اقارب خود اعمار نمودند؟ مگر همین ها نبود که راکتباران شورای نظار و حزب اسلامی را بر فرق مردم مظلوم کابل اسلامی و قانونی می خواندند؟ مگر همین بنیادگرایان نبود که میلیون ها دلار کمک سعودی، آمریکا، اسرائیل، فرانسه، جرمنی، پاکستان، کشورهای شیخ نشین... را به حساب های شخصی خویش چه در زمان به اصطلاح جهاد و چه در زمان قدرت خویش در خارج واریز نمودند؟ مگر اینها نبود که چوکی ریاست جمهوری را چهار دست و پا محکم چسبیده بود؛ به هر کنج و کناری که فرار کردند چوکی را با خود بردند؟

تعرض خشونت آمیز جنایی - دزدی مسلحانه، اخاذی و آدم ربایی توسط نیروهای نظامی، پولیس و شعبات استخبارات - تعرض بر مطبوعات و فعالان سیاسی، و نقض جدی حقوق انسانی زنان و دختران، تخلفات علیه اهالی فضای رعب و ترس در اکثر مناطق افغانستان بیداد میکند.

این گروهها بشکل روزافزونی دست به خرابکاری و ترور افراد عام زده و با حمله بر "اهداف آسان" مانند مکاتب و معلمین و چهره ها مذهبی، وحشت را در میان مردم عوام ایجاد نمودند. گروههای فوق می خواستند با این اعمال ناتوانی

دولت را در تامین امنیت و حمایت از ساکنین محل نشان دهند. تجارت پررونق مواد مخدر در این سال قسما عامل و قسما تمویل کننده نا امنی ها و خشونتها در افغانستان بود که با رشد % ۶۰ رکوردی قائم کرد. این تجارت نصف درآمد کشور و % ۹۲ هروئین جهان را تشکیل می دهد. نا آرامی در جنوب و جنوبشرق و شمال و شمالشرق افغانستان به جنگ تمام عیار مبدل شده است، با آنکه نیروهای ناتو که وظیفه تامین امنیت در افغانستان را مطابق به فیصله های سازمان ملل متحد به عهده دارد ، چرا اقدامی نمی کنند؟؟؟ در اکثر نقاط کشور، افغانها روزمره مورد ظلم و ستم جنگ سالاران و ملیشاهای محلی که ظاهرا با دولت هموناند قرار می گیرند.

نقش خارجی هادربد بختی های ملی



با اندوه خیلی فراوان بعد از استقرار نیروهای حافظ صلح بار دیگر تفنگ در اختیار گروپ جنگسالاران فراری دیروزی قرار گرفته و هر روز اخبار دردناکی از چور و چپاول و دزدی و راهگیری و ... تفنگداران از گوشه و کنار کشور بگوش می رسد و خبرنگاران داخلی و خارجی از واقعات دلخراش راپور می دهند .

بنیا دگر ایان باید بدانند که محک شخصیت انسان تفنگ نیست. اگر چنین می بود اسامه بن لادن ، ملا عمر ، گلبدین ، ... و غیره ا شخص که در پهلوی کرزی لمیده اند شخصیتهای دوست داشتنی و بزرگی می بودند.

چرا جرم و جنایت صد برابر شد ؟ در روز روشن غارت مسلحانه ، قاچاق احجار قیمتی ، کودک ربایی ، اختطاف کارمندان بین المللی ، ترورهای سیاسی ، غارت کمک های بازسازی ، رشد عقاید منفور بنیادگرایی، زندانی ساختن زنان و رشد فعالیتها روز افزون مامورین مخفی همسایگان ، رشد تولید و قاچاق مواد مخدر همه و همه قصه ی است ا ز فشار روز افزون تفنگ و تفنگداران در کشور. اینها همه نتیجه آنست که همگی نزد یک دیگر خویش دهان پر آب اند کسی ا ز کس نمیترسد و اطاعت هم نمیکنند و جنایت کار قبل از همه حق ا الحساب را آماده ساخته واسطه خود را خبردار ساخته با خاطر جمع اقدام عملی میکند . حتی زنان را به حکم خود سنگسار میکنند و خود بدون ترس و بیم ا ز قانون و بازخواست می کوشد تا چند بلند منزل دیگر اعمار نمایند و تجارت خود را وسعت ببخشند.

کیست مسول این همه جفا و جنایات . کجاست فابریکه نساجی بگرامی که هزاران کارگر در ان نفقه میکرد ؟ کجاست کارخانه جنگلک ، افغان ترکانی ، پروژه بس های برقی و غیره و غیره؟ بااندوه بی پایان پس ا ز پیروزی نیروهای بین المللی بر تروریستان قاتل و آدم کش کلمه اسلامی به نام افغانستان یکبار دیگر سنجاق شد ما شاهد خود سری های زیادی صاحبان کرسی و چوکی در دولت کنونی بودیم که زیر نام شریعت برخلاف نورم های حقوق بین المللی به آن متوسل گردیدند. اینها همه نتیجه آنست که همگی نزد یک دیگر خویش دهان پر آب اند کسی از کس نمیترسد و اطاعت هم نمیکنند و جنایت کار قبل از همه حق الحساب را آماده ساخته واسطه خود را خبردار ساخته با خاطر جمع اقدام عملی میکند . حتی زنان را به حکم خود سنگسار میکنند و خود بدون ترس و بیم ا ز قانون و بازخواست می کوشد تا چند بلند منزل دیگر اعمار نمایند و تجارت خود را وسعت ببخشند بلا به پس اینقدر گرسنه و یتیم و بیوه و بیکار . کیست مسول این همه جفا و جنایات . چرا رییس دولت بخاطر اشک و آهی مردم بی گناه و بی دفاع کشور پروسه خلع سلاح را شدت و حاکمیت ننگین تفنگداران پایان نمید هد ؟ .

رییس جمهور مطمین باشد که تداوم حاکمیت جنگ سالاران ختم دولت وی خواهد بود .

دی . دی . آر (جمع آوری سلاح) چه شد؟؟؟



مسئولین دي. دي. آر اعلام کرده اند که:

۱۲۵۰۰۰ نفر مسلح در ۱۸۰۰ گروه، سلاح بدست دارند. این ارقام نشان میدهد که پروسه ملکی سازی، خلاف فیصله های بن چقدر ناقص و بطی به پیش رفته است. موجودیت این مقدار سلاح به شانه جنگسالاران، مشروعیت دولت و پارلمان را بشدت زیر سوال می برد زیرا ناممکن است این گروه ها به نفع افراد و تنظیم های خود اعمال نفوذ نکرده باشند. آیا همین فرماندانی که در قعطات نظامی به پروسه ی دي دي آر پیوستند، ۲۰ درصد سلاح خود را تحویل داده اند؟ آیا ۸۰ درصد آنها را برای روز مبادا نگهداری نکرده اند و آیا با همین سلاحها همین امروز غارت و چپاول نمی کنند؟ انتقال این مقدار مواد مخدر به خارج از کشور، درگیری ها، راه گیری ها، اختطاف ها و قتل در شهرها حتی در پایتخت با کدام سلاح صورت می گیرند؟

تفنگداران با تکیه به نیروی نظامی خویش خواستار هرج و مرج ، چوروچپا ول ، زورگویی وبی قانونی اند . آیا این به صلاح مردم است؟ . پروژه خلع سلاح و تضعیف جنگ سالاران را نه تنها دولت، بلکه مردم نیز به شدت خواستارند . مردم نه تنها خواستار خلع سلاح و حذف نیروهای جنگ سالار هستند، بلکه این راه را تنها راه اعاده امنیت در پروسه خلع سلاح آغاز شدو امیدواریهای را در میان مردم پدید آورد مردمی که طی بیشتر از یک دهه در حاکمیت تفنگ هزاران قربانی دادند و کشور خود را نمایشگاه عظیم انواع سلاح های سبک و سنگین می دیدند، درین آرزو بودند که روزی سایه سیاه تفنگ را بر بالای سرشان ندیده و این حاکمیت ننگین را برای ابد به گورستان تاریخ دفن نمایند .

در گزارش دیده بان حقوق بشر سازمان ملل متحد اعلام شده است که مردم افغانستان در اکثر مواقع اظهار داشته اند که آنان بیش از طالبان از رهبران فرقه ای محلی و فرماندهان نظامی بیم دارند. براساس این گزارش ، اقدام که برای خلع سلاح ده ها هزار شبه نظامی غیردولتی در افغانستان صورت گرفت حدود ۲۱ هزار خلع سلاح شدند اما هنوز بیش از ۶۰ هزار سلاحدار وجود دارد . این سلاحداران از سران تنظیمی خویش دستور میگیرند و به هدایت دولت عمل نمی نمایند. این ارتباطها موجب می شود تا جنگ سالاران بتوانند قوانین خودشان را در مورد غیر نظامیان و مسوولان دولتی به عمل آورند که به ضرر افغان ها است. پس از جنگ داخلی سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ میلادی در افغانستان ، جنگ سالاران توسط رژیم بنیادگرای طالبان بیرون رانده شدند و ۵ سال بعد آنان به آمریکا کمک کردند تا رژیم طالبان را سرنگون کنند و در عوض ، پست های همه دولتی - وزارت دفاع ، وزارت امور خارجه و وزارت داخله، امنیت ملی و... را بعنوان پاداش در دولت داشته باشند.

در دولت کیها سهم دارند؟؟؟



مردم میدانند و بیاد دارند که باحاکمیت مجدد تفنگداران یکبار دیگر فساد مالی، رشوه ستانی ، زورگویی ، بی قانونی ، فساد اجتماعی ، جنایت اخلاقی ، بزن ، ببر و بکش سلاحداران ، بیکاری ، فقر ، وجوروچپاول به اوج خود رسید . خورد و برد قسمت اعظم کمک های خارجی به وسیله وزارتخانه ها و دیگر ارگان های دولتی و کند بودن شرم آور اعمار مجدد. سران

چپاولگر در زیر چشم هزاران عسکر امریکایی و ناتو به تولید و تجارت بیسابقه‌ی هیروئین مشغول بوده که افغانستان را مجدداً در صدر لیست کشورهای تولید کننده هیروئین قرار داده‌اند. با وجود ادعاهای مبنی بر «آزادی بیان»، فریادها در گلو خفه می‌گردند و آنانی که جرئت ابراز نظرات غیر سازشکارانه شان را دارند با ضرب و شتم و تفنگ و تهدید روبرو می‌شوند. در کشوری که قاتلان محصلان پوهنتون کابل، صاحب منصبان معترض، قاتلان داکتر عبدالرحمن، حاجی قدیر، فرخنده، ده هانفراز هزاره های مسکین و بی دفاع اسماعیلیه و صدهای دیگر هنوز به محاکمه کشانیده نشده اند نمی‌توان داد از انفاذ قانون و دموکراسی زد.

آیا حکومت و خارجی ها می‌تواند با این شگردها دهان مردم را ببندند؟ هر خانه ویرانه‌ای، هر فرزند یتیمی که پدرش به دست نوکران بیگانه و دالپرست به قتل رسیده است، هر بیوه زنی، هر دست و پا بریده‌ای و... پرچم‌های برافراشته‌ای هستند که ظلم و جنایت مجاهد نمایان را فریاد می‌زنند. حتی اگر ما کورباشیم و نبینیم و یا کرباشیم و نشویم.

درباره اتمر چه می‌گویند؟؟؟



اتمر با صداقت انجام وظیفه می‌کند. ارگ اتمر بجای اینکه برای ارگ ممد واقع شود، متاسفانه فضا را پیچیده ساخته است. او بیرون از صلاحیت‌های وظیفوی اش مداخله می‌کند. رحمت الله نبیل - رییس پیشین امنیت ملی اتمر داعش‌سازی می‌کند و من در این رابطه اسناد دارم. ظاهر قدیر - معاون پیشین مجلس نماینده گان اتمر در حادثه خونین دهمزنگ دست دارد. جنبش روشنایی اتمر در کمین بر من قصد کشتن ام را داشت. جنرال دوستم - معاون اول ریاست جمهوری اتمر پول‌های زیادی را در پروسه داعش/طالب‌سازی مصرف می‌کند. کریم متین - والی پیشین پکتیکا اتمر در پس شلیک به روی مظاهره کنندگان در جمعه 12 جوزا دست دارد. مردم اتمر باید برکنار شود، صلاح الدین ربانی پس از حمله انتحاری بر مراسم جنازه شهید سالم ایزدیار از حکومت خواسته است. جمعیت اسلامی

بدون تردید اتمر خارج از صلاحیت و وظیفه مشاوریت شورای امنیت ملی مداخله می‌کند. بدون استثنا در تمامی تعیینات در سکتورهای امنیتی نقش دارد، حتا پیشنهاد تعیین آمرین حوزه در کابل برای مدت چهار ماه بخاطر گزینش افراد مورد نظر او در دفترش معطل می‌شود. اگر اتمر پس حوادث که متهم است وجود ندارد بیاید برای مردم وضاحت دهد.

دالربازی مقامات



معاشات ماهانه چنین در نظر گرفته شده است :
برای رییس جمهور ۴۸۷ هزار افغانی

برای معاونان ریاست جمهوری ۲۷۶ هزار افغانی

برای وزیر، مشاور، امنیت ملی و لوی سارنوال ۱۹۵ هزار افغانی

برای روسای نهادهای مستقل از ۱۶۲ هزار تا ۱۳۰ هزار افغانی

برای معینان وزارت‌ها ۱۲۶ هزار افغانی

برای وزیر مشاوران ۱۳۰ هزار افغانی

برای روسای شورای ملی ۲۲۷ هزار

برای معاونان شورای ملی ۱۶۲ هزار افغانی

برای منشی‌ها ۱۵۶ هزار افغانی

برای سایر اعضای شورای ملی ۱۵۱ هزار افغانی

برای رییس ستره محکمه ۲۲۷ هزار افغانی

برای سایر اعضای ستره محکمه ۱۹۵ هزار افغانی

برای والی ولایت‌های درجه اول ۹۷۵۰۰ افغانی

برای والی ولایت‌های درجه دوم ۸۱۰۰۰ افغانی

برای والی ولایت‌های درجه سوم ۶۵۰۰۰ افغانی .